

صحيفة الحسين عليه السلام

[215] معبودا ! چه بسیار طاعتي که بنا کردم، و حالتي که بنیان نهادم، و عدالت اعتماد بر آنها را ویران نمود، بلکه فضلت عذرم را در مورد آنها پذیرفت، بارالها می دانی واگر چه طاعت بطور استمرار از من انجام نگرفته اما محبت تو در من مستمر است، خدایا چگونه تصمیم بگیرم در حالیکه تو غالی، و چگونه تصمیم بگیرم در حالیکه تو دستور دهنده ای. بارالها ! تفکر آثار باعث دوری دیدار می گردد، بنابراین مرا با خود به خدمتی وادار که مرا به تو پیوند دهد، چگونه بر تو استدلال شود به آنچه در وجودش بتو نیازمند است، آیا برای غیر تو طهوری است که برای تو نیست، تا آن آشکار کننده تو باشد، کی غائب بودی تا نیاز به دلیل برای اثبات تو داشته باشیم، و کی دور بوده ای تا آثار ما را به تو برساند، کور باد چشمی که تو را بر خود مراقب نبیند، و زیانکار باد معامله بنده ای که بهره ای از دوستیت ندارد. معبودا ! دستور به رجوع به آثار دادی، پس مرا با جامه نور و رهنمائی با بصیرت بخود باز گردان، تا از آنها بسویت باز گردم همانطور که در آن وارد شدم، یعنی از نظر به آنها (استقلالاً) مصون بوده، و از اعتماد بر
